



جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

حمله به مواضع امریکا در عراق

وقتی که برانسون و ترامپ در حال صحبت بودند خبرنگاران و عکاسان نیز وارد شدند. در پایان این ملاقات، کشیش برانسون در نزدیکی صندلی ترامپ زانو زد و دست خود را روی شانه ترامپ گذاشت و برای او دعا کرد. لازم به گفتن نیست که این حرکت یک صحنه خوب را برای عکس گرفتن رقم زد. به این ترتیب پرونده برانسون بسته شد ولی روابط دوجانبه با ترکیه نیز به پایین‌ترین سطح خود تنزل کرد.

البته پیش از آزادی برانسون، شرایط در سوریه رو به وخامت می‌رفت. ما در ماه سپتامبر نگران بودیم که اسد برای حمله‌ای وحشیانه به استان ادلب در شمال غرب سوریه برنامه‌ریزی می‌کند، استانی که از مدت‌ها قبل به پناهگاهی امن برای مخالفان تبدیل شده بود. ادلب اکنون مأمَن صدها هزار نفر از آوارگان سوری و همچنین تروریست‌های افراطی بود و نیروهای نظامی ترکیه نیز حضور فعالی در آنجا داشتند تا مانع از هرگونه تهاجم رژیم اسد شوند. روسیه و ایران تقریباً قطع به یقین به اسد کمک می‌کردند و باعث خونریزی و هرج و مرج بیشتر می‌شدند و این شرایط باعث می‌شد که سیل عظیمی از آوارگان به سمت ترکیه سرازیر شود. در میان آوارگان مشروح و واقعی، هزاران نفر از تروریست‌ها نیز فرار می‌کردند و بسیاری از آنها راهی کشورهای اروپایی می‌شدند که مقصد ایده‌آل آنها محسوب می‌شد. من بویژه نگران بودم که شاید اسد دوباره از سلاح‌های شیمیایی استفاده کند و به همین دلیل به طور اضطراری از وزارت دفاع خواستم درباره پاسخ نظامی احتمالی امریکا در صورت وقوع حمله شیمیایی بررسی‌های لازم را انجام دهد(امیدوار بودم که این بار هم بریتانیا و فرانسه با ما همراه شوند). اصلاً دلم نمی‌خواست که همچون ماه آوریل دوباره از آمادگی‌های لازم دور باشیم و به نوعی غافلگیر شویم. اگر پاسخ امریکا ضرورت پیدا کند، این بار نباید اقدام تلافی جویانه ما فقط به کاستن از ظرفیت‌ها و توانایی‌های مربوط به تسلیحات شیمیایی سوریه محدود شود بلکه باید برای همیشه تمایل و اراده رژیم اسد را برای استفاده از چنین سلاح‌هایی تغییر دهد. متیس وزیر دفاع این بار ستاد مشترک ارتش را آزاد گذاشته بود تا هر آنچه را که لازم می‌دانند، انجام دهند. برنامه‌ریزی و آماده سازی‌های فشرده‌ای بر اساس گزینه‌های مختلف، اهداف احتمالی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود (نظیر ضرورت پیشگیری از تلفات غیرنظامی) در حال انجام بود. احساسم این بود که بر خلاف ماه آوریل، اگر این بار حتی اتفاق بدتری نیز بیفتد ما از آمادگی لازم برای ارائه گزینه‌های مختلف به ترامپ برخورداریم تا رئیس جمهوری بتواند از میان گزینه‌های پیشنهادی ما بهترین‌ها را انتخاب کند.

همزمان اسرائیل هم بیکار ننشسته بود و به طور مکرر به نقل و انتقال سلاح و تجهیزات توسط ایرانی‌ها حمله می‌کرد که خود این مسأله می‌توانست تهدیدآمیز باشد. اسرائیل کاتال‌های ارتباطی خاص خود را با مسکو داشت، چون نتانیاهو به‌دنبال اهداف و نیروهای روسی نبود بلکه فقط ایرانی‌ها و تروریست‌ها را هدف قرار می‌داد. مشکل واقعی روسیه متحدان سوری آن کشور بودند که یک هواپیمای جاسوسی روسی را (به اشتباه) در اواسط ماه سپتامبر سرنگون کرده بودند. این اتفاق نیز باعث شد که روسیه فوراً بخش‌هایی از سامانه دفاع هوایی اس ۳۰۰ خود را تحویل سوری‌ها بدهد که بشدت باعث نگرانی اسرائیل می‌شد. روز شنبه هشتم سپتامبر شبه نظامیان شیعه در عراق که بدون تردید توسط ایران تجهیز می‌شوند، به سفارت امریکا در بغداد و کنسولگری ما در بصره حمله کردند و ایران نیز چندین هدف را در نزدیکی اربیل در کردستان شیعه با موشک هدف قرار داد. وقوع این حملات فقط چند روز قبل از سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر و همچنین با توجه به حملات سال ۲۰۱۲ به مجموعه دیپلماتیک ما در بغدادی لیبی، نگران کننده بود و باعث می‌شد ما به‌صورت راهبردی درباره واکنش‌های احتمالی خود فکر کنیم، اما این کار را نکردیم. کلی به من گفت که ترامپ پس از یک برنامه انتخاباتی بار دیگر تأکید کرد که می‌خواهد به طور کلی از خاورمیانه خارج شود. کشته شدن سربازان امریکایی که فی نفسه بسیار غم‌انگیز بود موضوع خروج از خاورمیانه را تسریع می‌کرد و اگر ما به دقت همه جوانب این موضوع را بررسی نکنیم، نه تنها در بلند مدت به ضرر خود ما بلکه همچنین به ضرر اسرائیل و متحدان عرب ما تمام خواهد شد. به هر حال تا روز دوشنبه واکنش ما تا سطح صدور یک بیانیه احتمالی در محکومیت دست داشتن ایران در این حملات تنزل پیدا کرد. متیس حتی با چنین بی‌انیه‌ای هم مخالف بود و همچنان استدلال می‌کرد که ما به طور قطع و یقین مطمئن نیستیم که گروه‌های شبه نظامی شیعه به ایران وابسته هستند و این نوع بحث‌ها فقط ساده لوحی او را نشان می‌داد. این بی‌تصمیمی تا روز سه‌شنبه ادامه یافت تا اینکه متیس با عجله جلسه‌ای را با حضور ترامپ، پنس، پمپئو، کلی و من درخواست کرد تا این بیانیه یک پاراگرافی را بررسی کنیم. این جلسه در اتاق بیضی کاخ سفید تشکیل شد که در هر حال از نظر بسیاری از افراد بسیار درهنگام بود. این شیوه نشانگر سیاست انسدادگرایانه و اشکال تراشانه متیس در کار بود؛ عدم واکنش سریع و فعالانه و شاید حتی عدم صدور یک بیانیه مطبوعاتی در پاسخ به حملات صورت گرفته به پرسنل و تأسیسات دیپلماتیک امریکا. واقعاً ایران و نیروهای شبه نظامی قرار بود چه درسی از این واکنش کاملاً انفعالی ما بگیرند؟ همان گونه که پیش‌بینی می‌شد در هفته‌های بعد تهدیدات تازه‌ای از سوی گروه‌های شبه نظامی شیعه علیه منافع امریکا به وقوع پیوست و دو حمله راکتی دیگر به ساختمان کنسولگری امریکا در بصره انجام شد.



سازمان امور خارجه
وزارت امور خارجه
Ministry of Foreign Affairs
Tehran, Iran

فراخوان ۹۹/۲۹

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران

در نظر دارد نسبت به **شناسایی و ارزیابی شرکت‌های فعال در حوزه فروش ریخت اقامت میداین میوه و تره‌بار** از طریق فراخوان اقدام کند.جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد فراخوان می‌توانید به آدرس سایت **WWW.TEHRAN.IR** در بخش اطلاع رسانی، به قسمت **مناقصات** مراجعه نمایید.



سازمان امور خارجه
وزارت امور خارجه
Ministry of Foreign Affairs
Tehran, Iran

تمدید مناقصه عمومی ۹۹/۱۳۹

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران

در نظر دارد نسبت به **خرید تجهیزات و اجرای سالن کنفرانس** از طریق مناقصه عمومی اقدام کند. جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه می‌توانید به آدرس سایت **WWW.TEHRAN.IR** در بخش اطلاع رسانی، قسمت **مناقصات** مراجعه نمایید.

- یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۵۱۵

دورنما

گالف نیوز(امارات)

روسیه و انگلیس توافق کردند واکسن‌های کرونای تولید شده دو کشور در جهت اثرپذیری بیشتر در پروسه‌ای به‌صورت مشترک مورد آزمایش قرار گیرند. برای اجرای این مرحله آزمایشی، داوطلبان بالای ۱۸ سال برگزیده شده‌اند و قرار است این تحقیقات با همکاری آسترانکا و آکسفورد انگلیس و شرکت تولید واکسن اسپوتنیک روسیه پیش از پایان سال کلید بخورد.



ایندپندنت(انگلیس)

در فاصله کمتر از دو روز تا پایان ضرب‌الاجل برگزیت، «یورپس جانسون»، توافق نکردن اتحادیه اروپا در حوزه تجاری را فوق العاده خواند. این در حالی است که سران اتحادیه اروپا به ویژه آلمان و فرانسه حتی حاضر به پاسخگویی به تماس‌های نخست‌وزیر انگلیس نیستند و روابط بعد از برگزیت را در هاله‌ای از ابهام قرار داده‌اند.



هشت صبح(افغانستان)

ترور ۶ خبرنگار تنها در یک ماه، جامعه رسانه‌ای افغانستان را به واکنش واداشته و خطر ترور هفدهم را مطرح کرده است. براساس گزارش‌ها در سال‌های گذشته خبرنگارانی در انفجارهای پراکنده جانشان را از دست می‌دادند اما در سال جاری سوژه‌ها انتخاب می‌شوند. پیش‌تر نیز نهادهای حقوق بشری درباره این حملات هدفمند هشدار داده بودند.



اقتصاد و دارایی را تصاحب کند. ولی شاید بایدن از او در پست مدیر ارشد ساماندهی وضعیت آب و هوایی و اقلیمی امریکا بهره گیرد و نماینده اصلی امریکا در اجتماعات بین‌المللی در این خصوص هم باشد. شایعات دیگر می‌گویند ایده به‌کارگیری پیت بوتچیچ فرماندار سابق ایندیانا و دوال پاتریک فرماندار پیشین ایالت ماساچوست هم به مغز بایدن خطور کرده و شاید پاتریک دادستان کل امریکا شود اما این شایعات در حد حرف و شایعه باقی مانده است. آنچه قطعیت یافته، انتصاب سوزان رایس به عنوان رئیس شورای سیاستگذاری‌های داخلی کاخ سفید است که اواخر هفته پیش صورت گرفته و رایس کسی است که پیشینه کار در هیأت دولت اوباما و بیل کلینتون را هم دارد و از کاندیداهای احراز پست معاونت بایدن برای این دوره هم بوده که در نهایت زیر سایه «کاملا هریس» ماند.

■ **گرویدن کارگشته‌ها به سوی دو مجلس** هرچه هست، فقدان شخصیت‌های مقتدر و صاحب شانس برای انتخابات ۲۰۲۴ بهترین وسیله و زمینه‌ها در دست‌های هریس است تا هر وقت صحنه‌گردان اصلی شد، هیچ‌کس از درون دایره نزدیکان، مقابلیش قد علم نکند. در این هم شکی نیست که دموکرات‌ها به رغم فتح مجدد کاخ سفید توسط بایدن نمایش ضعفی در انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سنای امریکا داشته و سرنوشت آنها در رقابت با جمهوریخواهان بر کسب اکثریت در این مجالس نیز به مویی بند است. با این اوصاف آدم‌های قوی و اسم و رسم‌دار حزب دموکرات به جای گرویدن به کابینه بایدن بیشتر به سوی تثبیت خود در مجالس کشور سوق داده شده‌اند و صحنه برای هریس خالی‌تر از همیشه بوده. اگر بافت فعلی باقی بماند و بایدن تا سال ۲۰۲۸ هم دوام بیاورد، زمینه برای یک ریاست جمهوری کم‌دردتر در آن تاریخ فراوی هریس فراهم خواهد بود و امثال برنی سندرز و الیزابت وارن رقبای اصلی امسال بایدن هم صرفاً مرمه یا افراد مسنی خواهند بود که در شرایط بحرانی جهان به خاطر کرونا برای میانه‌های کندرو بدترین دستاورد نخواهد بود. گرچه این سه نفر، مطرح‌ترین کاندیداها به شمار می‌روند اما نامزدهای محتمل برای صدراعظمی آلمان به همین‌ها ختم نمی‌شود و این روزها نام دو گزینه دیگر نیز مطرح شده است که مسیر حزبی را طی نکرده‌اند اما به واسطه وقایع اخیر نامشان در ذهن مردم نهادهینه شده و شانس بالایی برای شکست سه گزینه اول حزب دارند. به عبارت دیگر اگر حزب از «لاشت»، «مرتس» و «روتگن» دست بکشد و رو به نام‌های مطرح در ذهن عامه مردم بیاورد، شانس اول یا «ینس اشپان»، وزیر بهداشت دولت مرکل است که به لطف کرونا این روزها نامش به عنوان مقامی خستگی‌ناپذیر هر روز در اخبار مطرح است و بعد از او «مارکوس شودر» رهبر حزب اتحادیه سوسیالیست‌های مسیحی است که به واسطه حضور متعدد در برنامه‌های تلویزیونی برای عامه مردم شخصیتی شناخته شده است. با همه اینها نباید فراموش کرد هیچ یک از این ۵ نامزد یاری مقابله با سیاست‌های «موتی» (مرکل) و میراث او را ندارند و بنابراین صدراعظم بعدی بدون شک «مرکل» ی بدون «آنگلا» خواهد بود.

منبع: Politico

در هر صورت برنده انتخابات حزب اتحادیه دموکرات مسیحی و بعد از آن صدراعظمی، چاره‌ای جز بازی دادن به احزاب دیگر نیز نخواهد داشت. بنابراین تعادل قدرت در این کشور برقرار خواهد ماند. وضعیتی که در شرایط بحرانی جهان به خاطر کرونا برای میانه‌های کندرو بدترین دستاورد نخواهد بود. گرچه این سه نفر، مطرح‌ترین کاندیداها به شمار می‌روند اما نامزدهای محتمل برای صدراعظمی آلمان به همین‌ها ختم نمی‌شود و این روزها نام دو گزینه دیگر نیز مطرح شده است که مسیر حزبی را طی نکرده‌اند اما به واسطه وقایع اخیر نامشان در ذهن مردم نهادهینه شده و شانس بالایی برای شکست سه گزینه اول حزب دارند. به عبارت دیگر اگر حزب از «لاشت»، «مرتس» و «روتگن» دست بکشد و رو به نام‌های مطرح در ذهن عامه مردم بیاورد، شانس اول یا «ینس اشپان»، وزیر بهداشت دولت مرکل است که به لطف کرونا این روزها نامش به عنوان مقامی خستگی‌ناپذیر هر روز در اخبار مطرح است و بعد از او «مارکوس شودر» رهبر حزب اتحادیه سوسیالیست‌های مسیحی است که به واسطه حضور متعدد در برنامه‌های تلویزیونی برای عامه مردم شخصیتی شناخته شده است. با همه اینها نباید فراموش کرد هیچ یک از این ۵ نامزد یاری مقابله با سیاست‌های «موتی» (مرکل) و میراث او را ندارند و بنابراین صدراعظم بعدی بدون شک «مرکل» ی بدون «آنگلا» خواهد بود.

منبع:projectSyndicate



times of india

در حوزه سیاست خارجی جسورانه‌تر عمل کرده و اقدامات سخت‌تری را در رابطه با روسیه و چین در نظر گرفته است و کارشناسان، آلمان با هدایت او را نه در مسیر پیروی کامل و نه خروج مطلق از عصر مرکل عنوان کرده‌اند. بنابراین با روی کار آمدن هر یک از این گزینه‌ها، ثبات در سیستم سیاسی آلمان دستخوش تلاطم شدیدی نخواهد شد، چراکه در میان نام‌های مطرح شده نه افرادی مانند مارین لوپن راستگرای فرانسوی حضور دارد و نه ماتئو سالوینی ایتالیایی یا جرمی کوربین انگلیسی جبری هست.

■ **تیمی مخصوص هریس** حتی عملکرد هریس از زمان انتصابش به عنوان معاون رئیس جمهوری امریکا نشانگر صحت ایده‌هایی است که درمورد زمان و چگونگی ارتقای او به پست اول بر سر زبان‌هاست. هریس طی این مدت به جای کامل کردن کارهای بایدن و مدیریت کردن کاخ سفید مشغول چیدن یک تیم دوم و جمع‌آوری افرادی بوده که فقط با او هماهنگ هستند و به‌نظر می‌رسد که سربازان ارشد دولت بعدی به ریاست هریس خواهند بود. او البته از همراهی با بایدن و افراد منتخب وی ایایی نداشته اما در یک دیدگاه وسیع‌تر با آدم‌هایی کار کرده که می‌دانند در فردایی نه چندان دور ابتدا سرداروی خواهند بود و نه بایدن. بین وظایف محوله به هریس در ماه‌های اخیر و وظایف ارجاع شده به بایدن در زمان ریاست جمهوری اوباما نیز دنیایی تفاوت وجود دارد. اوباما از بایدن خواسته بود که اقتصاد ویران شده امریکا را بازیابی و تقویت کند و به سبب داشتن دوستانی نزدیک در مجلس سنای امریکا جناح سست او را در

بایدن به قصد غلبه بر او در انتخابات درون‌حزبی دموکرات‌ها هم داشته باشند. مدی آن مارش» یک استراتژیست مرتبط با حزب دموکرات که اهل ایالت ماساچوست امریکاست، می‌گوید: «تیم انتخابی بایدن نه یک تیم متشکل از رقبای بلکه تیمی همراه و دلسوز و بدون آینده است که نه هریس و نه هیچ فرد دیگری آنها را برای ادامه حضور در کابینه برنخواهد گزید. اوباما در سال ۲۰۰۸ تیمی سرشار از رقبای درجه اول خود فراهم آورد زیرا می‌خواست اتاق فکرش قوی باشد و ترامپ نیز از برخی جهات راه او را رفت. بایدن ۱۸۰ درجه با آنها متفاوت است. او دنبال جنگ‌های داخلی و رقابت‌های درون‌گروهی نیست و کسانی را دعوت به کار کرده است که رام و آرام‌اند و به دلیل سوابق طولانی‌شان کارها را به سرعت ساماندهی می‌کنند. در عین حال کار و روش بایدن عملاً یک نوع جاده صاف‌کنی برای هریس است زیرا وقتی او جای بایدن را بگیرد، حتی یک رقیب را در هیأت دولت مخالف و همیا با خود نخواهد کرد.»

صدر اعظم بعدی آلمان؛ «مرکل» بدون «آنگلا»

منبع: روزمره سفاری

است. او مدتی کوتاه به عنوان وزیر محیط زیست مرکل فعالیت داشت اما او نیز مورد غضب صدراعظم قرار گرفت و برکنار شد. اینکه با توجه به شرایط کرونا این کنوانسیون ضروری یا مجازی برگزار شود مشخص نیست اما آنچه مسلم است این مسئله در تاریخی اواسط ژانویه خواهد بود و با نگاهی به سوابق سه نامزد، «لاشت» را می‌توان کاندیدای مورد وثوق مرکل دانست. با این حال هیچ یک از سه نامزد پیش‌رو در نظرسنجی‌ها پیشتازی قابل توجهی ندارند، چراکه «مرتس» ۲۷ درصد، «روتگن» ۱۶ درصد و «لاشت» ۲۱ درصد آرای کنوانسیون حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (CDU) برای تعیین رهبر بعدی تشکیل خواهد شد. نام هرکس به عنوان برگزیده این کنوانسیون بیرون آید، نامزد اصلی حزب برای صدراعظمی آلمان و به تبع آن با احتمال قوی مسئول تشکیل دولت بعدی این کشور نیز خواهد بود.

در این میان، اما نام سه کاندیدای مرد مطرح شده است. نفر اول؛ «آرمین لاشت»، رئیس فعلی شورای وزیران نورداین-وستفالن و یکی از مقامات برتر حزب که بیشترین کاریزما را برای جانشینی مرکل دارد. نفر دوم «فردریش مرتس» که با دو دهه سابقه در رأس حزب کارگران و پیشتازی در رأس حزب راست میانه اتحادیه دموکرات مسیحی، پس از کنار گذاشته شدن توسط مرکل، با پیوستن به بخش خصوصی توانست سرمایه‌ای برای بازگشت به رقابت قدرت جمع‌آوری کند و سومین نامزد نیز «نوربرت روتگن»، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان مرکزی آلمان

منبع: روزمره سفاری

اتحادیه دموکرات مسیحی؛ حزب «آنگلا مرکل»، ۵۰ سال بر جمهوری فدرال آلمان حلسه داشته است. بنابراین بدون شک در پاپیز آینده و با پایان حضور ۱۶ ساله قدرتمندترین زن آلمان در کرسی صدراعظمی، جانشین او نیز کسی خارج از دایره حزب متبوعش نخواهد بود. اما چه کسانی از این بخت برخوردارند؟ طرف چند هفته آینده سی و سومین کنوانسیون حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (CDU) برای تعیین رهبر بعدی تشکیل خواهد شد. نام هرکس به عنوان برگزیده این کنوانسیون بیرون آید، نامزد اصلی حزب برای صدراعظمی آلمان و به تبع آن با احتمال قوی مسئول تشکیل دولت بعدی این کشور نیز خواهد بود.

در این میان، اما نام سه کاندیدای مرد مطرح شده است. نفر اول؛ «آرمین لاشت»، رئیس فعلی شورای وزیران نورداین-وستفالن و یکی از مقامات برتر حزب که بیشترین کاریزما را برای جانشینی مرکل دارد. نفر دوم «فردریش مرتس» که با دو دهه سابقه در رأس حزب کارگران و پیشتازی در رأس حزب راست میانه اتحادیه دموکرات مسیحی، پس از کنار گذاشته شدن توسط مرکل، با پیوستن به بخش خصوصی توانست سرمایه‌ای برای بازگشت به رقابت قدرت جمع‌آوری کند و سومین نامزد نیز «نوربرت روتگن»، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان مرکزی آلمان